



تربیت دینی تنها انتقال اطلاعات دینی به کودک نیست!

اشاره

«در تعلیم و تربیت دینی، هدف تربیت انسان شایسته است؛ انسانی که قدر و منزلت خود را بشناسد و بیاموزد که راه درست زندگی کردن چیست.»

برای پاسخ دادن به این سؤال لازم است کودکانمان را از طریق «تعلیم» آموزش مفاهیم دینی قابل فهم و کاربردی نه تنها با این مفاهیم و آداب و اخلاق اسلامی آشنا نماییم بلکه آن‌ها را «تربیت» کنیم. در این صورت است که به انتقال مجموعه‌ای از مفاهیم به ذهن کودک و در اختیار قرار دادن اطلاعات اکتفا نکرده‌ایم.»

کلیدواژه‌ها: کودک پیش دبستانی، تربیت دینی، مفاهیم و ارزش‌های دینی

نماییم. بی دلیل نیست که پیشوایان دینی ما، بر اهمیت تعلیم و تربیت در دوره کودکی نسبت به بزرگسالی بسیار تأکید نموده‌اند. این کلام نورانی و حدیث مشهور از امیرمؤمنان علی (ع) است که می‌فرماید: یادگیری در دوران کودکی مانند نقش روی سنگ ماندگار است.

العلم فی الصغر کالمنقش فی البحر
والعلم فی الکبر کالمنقش علی المدر
آموخته‌ها در دوران کودکی مانند نقش روی سنگ و در بزرگسالی مانند نقش روی ماسه‌های کنار ساحل است. (کنز الفوائد، ج ۱: ۳۱۹).

بر این مبنا آنچه فرد در سنین کودکی می‌آموزد - نه صرفاً انتقال اطلاعات - نسبت به بزرگسالی تأثیر ماندگاری دارد و این مقوله در مسائل ارزشی و نگرشی و بیشتر در حوزه تربیت دینی، اهمیت دوچندان دارد. از این رو ضروری است در برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی و مذهبی یا همان تربیت دینی پیش دبستان به گونه‌ای عمل کنیم که منجر به نگرش مثبت، پایدار و اثربخش برای سنین بزرگسالی شود که در غیر این صورت آثار مخرب و زیان‌آوری به بار خواهد آورد و ترمیم آن در بزرگسالی سخت و تا حدی

بی‌شک، خالق انسان با تمامی صفات، ویژگی‌ها و نیز با مسیر تکامل و رشد او به خوبی آگاهی دارد و بر این مبنا بهترین و کامل‌ترین برنامه تربیتی را از طریق راهنمایان شایسته برای هدایت آدمی فرستاده است. اساساً نقش اصلی پیامبران و امامان تعلیم و تربیت انسان‌هاست تا به کمال و سعادت برسند اما نکته حائز اهمیت این است که این تربیت را در بستر و فرایندی متناسب با ویژگی‌های مخاطبان به انجام رسانده‌اند و به عبارت روشن‌تر، وظیفه خطیر تعلیم و تربیت را براساس فطرت و تعقل مخاطبان، فعلیت بخشیده‌اند.

همه ما کودکانمان را دوست داریم و در پی تربیت صحیح آنان و برطرف کردن موانع این راه هستیم. دوست داریم انسان‌هایی مفید، خلاق، درست‌کار و سعادت‌مند تربیت کنیم. برای این منظور لازم است به تربیت دینی آنان نیز توجهی دقیق و آگاهانه داشته باشیم.

توجه به کودک پیش دبستانی و فهم دقیق و عمیق از توانایی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های او از مقوله‌های اساسی تربیت دینی وی محسوب می‌شود. دوره کودکی پیش دبستان را در تمام عرصه‌ها و ابعاد تربیتی باید به رسمیت بشناسیم اما در بعد تربیت دینی ضروری است به جایگاه بنیادین آن توجه جدی



«خانه خدا» مواجه شدیم، با کودکان این گونه گفت و گو کنیم؛ آیا تا به حال مسجد رفته‌اید؟ در آنجا چه چیزهایی می‌بینید؟ مردم در آنجا چه کارهایی انجام می‌دهند؟ (در تمام پاسخ‌ها تا آنجا که امکان دارد به کودکان فرصت صحبت کردن بدهید) پاسخ و گفت‌وگو را به مطالبی مانند نماز خواندن، قرآن خواندن و دعا کردن سوق دهید و بگویید که چون در مسجد افراد با نماز خواندن و دعا کردن بیشتر با خدا صحبت می‌کنند، به آنجا خانه خدا می‌گویند. یکی از مهم‌ترین خانه‌های خدا در شهر مکه است که به آن کعبه می‌گویند.

* برای آنکه بچه‌ها به نتایج مطلوب و مورد نظرمان برسند، لازم است امکان کسب تجارت مستقیم و دست‌اول را برای آنان فراهم نماییم؛ مانند خوشحال کردن والدین با کمک کردن، حرف‌شنوی و نیکی کردن به آن‌ها یا آشنایی با نعمت‌های ملموس و عمومی که خداوند به همه داده است؛ مانند خوراکی‌های مفید، میوه، شیر، آب، گیاهان، خورشید و حیوانات؛ زیرا این موارد برای عموم کودکان فراهم و ملموس است ولی شاید نعمت‌هایی مانند سلامتی و داشتن پدر و مادر این گونه نباشد. در این صورت، کودکی که فاقد آن‌هاست تصور خوبی از خداوند نخواهد داشت.

* از روش‌های غیرمستقیم و مناسب بهره بگیریم؛ فعالیت‌هایی مانند شعر، قصه، نمایش خلاق، بازی و نقاشی. بیان مستقیم برای کودکان کسالت‌بار است و تنها می‌تواند انتقال‌دهنده اطلاعات به ذهن کودک باشد؛ آن هم اطلاعاتی که تأثیر و ماندگاری بسیار کمی دارند.

* بسیاری از آداب و ارزش‌های اسلامی را می‌توانیم با ارائه عملی و نقش الگویی خودمان آموزش دهیم؛ به طوری که کودکان در رفتار با ما آن‌ها را به‌طور عادی و طبیعی مشاهده کنند؛ مانند: خوش اخلاقی، نظافت، آراستگی، حجاب، سلام کردن و گفتن بسم‌الله الرحمن الرحیم در شروع کارها.

* سخن آخر اینکه

در آموزش مفاهیم دینی، ضمن ساده و کودکانه بودن مطالب باید به موثق و معتبر بودن آن‌ها توجه جدی کنیم و از ارائه مطالب سلیقه‌ای و بی‌مطالعه به‌طور جدی بپرهیزیم؛

مانند: مفاهیمی درباره سیره پیامبران و امامان (ع) و پیام‌های قرآنی. به عبارت روشن‌تر، برای تربیت دینی صحیح کودکان به هیچ وجه نباید بی‌مطالعه و مطابق میل افراد غیرمتخصص در حوزه تربیت اسلامی و ویژه کودکان پیش‌دبستان عمل کنیم؛ زیرا در این صورت در تربیت دینی کودکانمان دچار خطا می‌شویم یا صرفاً اطلاعات دینی را - آن هم به‌طور اشتباه - منتقل می‌کنیم.

منابع

۱. باهنر، ناصر. (۱۳۷۸). تعلیم و تربیت دینی همگام با رشد کودکان.
۲. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۸). در قلمرو معرفت تعلیم و تربیت اسلامی.
۳. محمد دشتی. (۱۳۸۰). نهج البلاغه.

یادگیری
در دوران
کودکی
مانند نقش
روی سنگ
ماندگار
است

غیرممکن خواهد بود.

حال در این مجال و برای پرهیز از افراط و تفریط از یک‌سو و همچنین پرداختن به‌عنوان مهم این نوشتار، یعنی پرهیز از انتقال صرف اطلاعات دینی به کودکان و تأکید بر تعلیم و تربیت دینی اثربخش و ماندگار او، چند راهکار و اصل مهم را با هم مرور می‌کنیم.

* تجربه‌های آیینی و دینی کودکان را با تداعی‌های لذت‌بخش و جذاب همراه سازیم؛ مانند: جشن اعیاد دینی و میلاد ائمه با ارائه برنامه‌های شاد.

* بر جنبه‌های لطف و رحمت و مهربانی خداوند تأکید داشته باشیم. لزومی ندارد مسئله جهنم و عذاب اخروی به‌عنوان نتیجه اعمال بد به صراحت مطرح شود؛ مثلاً داستان کشتی حضرت نوح(ع) را با این زاویه دید مطرح کنیم که هر کس به سخنان حضرت نوح(ع) گوش کرد و سوار کشتی شد، خوشحال بود؛ چون سالم ماند.

* آموزش مفاهیم و اصطلاحات دینی باید از پایین‌ترین سطح ممکن برای یک مفهوم شروع شود و سپس بسط و ارتقا یابد.

برای نمونه، اگر با سؤالاتی درباره مفهوم